

بسم الله الرحمن الرحيم

درس نامه سطح

**موضوع: سیره خانوادگی و اجتماعی پیامبر اعظم
(صلی الله علیه و آله وسلم)**

تهیه شده در موسسه یاران سبز موعود (عج الله تعالی فرجه الشریف)

جلسه دوم

در جلسه گذشته راجع به سیره فردی پیامبر اکرم (ص) قدری صحبت کردیم. در این جلسه راجع به سیره خانوادگی و اجتماعی بهترین موجود عالم، مهربان‌ترین فرد روی زمین می‌خواهیم با هم صحبت کنیم.

الف: سیره خانوادگی

1- در خانه برنامه ریزی داشت

- پیامبر اسلام صلی الله وعلیه واله در خانه ، اوقات خود را به سه بخش تقسیم می کرد: بخشی برای « خدا» ، در این بخش به عبادت و نماز و نیایش و تهجد می پرداخت. بخشی برای « خانواده »، و گفتگو و انس گرفتن با آنان و تامین نیازهای روحی و عاطفی و.. و بخشی هم برای «خود» و « مردم» (چون در اوقات حضور آن حضرت در خانه، مردم مراجعه می کردند و با حضرت کار داشتند).¹
- علی علیه السلام بیش از سی سال عمر خود را با رسول خدا صلی الله علیه و آله سپری کرده و شناساترین فرد به رسول خدا بوده و از اخلاق داخلی و خارجی حضرتش اطلاع دقیق داشته، امام حسین علیه السلام می فرماید:
- از پدرم در مورد امور رسول خدا صلی الله علیه و آله در داخل خانه سوال کردم، فرمودند: وقتی به خانه‌اش می رفت، اوقاتش را سه قسمت می کرد: یک قسمت برای خدا، و یک قسمت برای خانواده‌اش، و یک قسمت برای خودش، آن گاه قسمت خودش را نیز میان خود و مردم تقسیم می کرد و آن را برای بستگان و بزرگان صحابه (که در منزلش به خدمت او می رسیدند) قرار می داد و ذره‌ای از امکانات خود را از آنان دریغ نمی نمود) بلکه آن چه امکان داشت در حقشان انجام می داد.²

2- به اهل خانه کمک می کرد

- در را باز می کرد، گوسفند را می دوشید، زانوی شتر را می بست و شیر آن را می دوشید، اگر خادم خانه خسته می شد، در آسیاب کردن گندم به او کمک می کرد «و کان یخفف

1 . مکارم الاخلاق، ص 13.

2 . سنن النبی، ص 14 / معانی الاخبار، ص 80 / بحار الانوار، ج 16، ص 150. سیمای پیامبر اسلام، ترجمه "مختصر الشمانل المحمدیه"، حاج شیخ عباس قمی، ص 53.

النَّعْلَ وَ يُرْقِعُ الثَّوْبَ وَ يَفْتَحُ الْبَابَ وَ يَحْلِبُ الشَّاءَ وَ يَعْقِلُ الْبَعِيرَ فَيَحْلِبُهَا وَ يَطْحَنُ مَعَ الْخَادِمِ إِذَا أَعْيَا وَ...».

- در نقل دیگری چنین آمده است: «يَخْدِمُ فِي مِهْنَةِ أَهْلِهِ وَ يَقَطَعُ اللَّحْمَ؛ در کارهای خانواده به آنان خدمت می کرد و با دست خود گوشت خرد می کرد.»
- در همه کارها به اهل خانه کمک می کرد و لوازم خانه و زندگانی را به پشت خود از بازار به خانه می برد.³
- گاه اتفاق می افتاد که حضرت خانه خویش را نظافت می کرد و جارو می کشید و خود مکرر می فرمود: کمک به همسر و کارهای منزل، صدقه و احسان در راه خدا محسوب می شود.⁴

3- با خانواده همدل و مهربان بود

- اگر خانواده را مجموعه کوچکی به شمار آوریم که رفتار زن و شوهر و فرزندان با یکدیگر، آن را صفا می بخشد و همدلی میان افراد، آن را قوام و استحکام می دهد، نمونه این رفتار در خانه محمد(ص) دیده می شود.
- خیرکم، خیرکم لئنسائه و انا خیرکم لئنسائی⁵؛ بهترین شما شخصی است که با همسرش خوش رفتارتر باشد و من از تمامی شما نسبت به همسرانم خوش رفتارترم.

4- کودکان را دوست داشت

- پیامبر خدا(ص) به فرزندان خود مهر می ورزید، آنان را در آغوش می گرفت و می بوسید.
- به اکرام فرزندان و دوست داشتن آنان سفارش می کرد و توصیه می فرمود که بین فرزندان تان به عدالت رفتار کنید، حتی در بوسیدن آنها.
- بوسیدن فرزند را کاری خوب می دانست که ثواب دارد: «مَنْ قَبَّلَ وَكَلَدَهُ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ حَسَنَةً؛ هر کس فرزندش را ببوسد، خدا برای او حسنه ای می نویسد.»
- روزی پیامبر خدا(ص) دو فرزندش حسن و حسین علیهما السلام را بوسید. اقرع بن حابس کنار آن حضرت بود. گفت: من ده فرزند دارم، تاکنون هیچ یک را نبوسیده ام! پیامبر فرمود: من با تو چه کنم، که خدا رحمت و عطف را از دلت کنده است؟!

3 . ابن شهر آشوب در کتاب مناقب، ج 1، ص 146.

4 . كحل البصر، ص 102.

5 . وافی، ج 3، ص 117/ وسائل، ج 14، ص 122/ الاحیاء، ج 2، ص 41 .

- می فرمود: «أَحِبُّوا الصَّيَانَ وَارْحَمُوهُمْ؛ کودکان را دوست بدارید و به آنان شفقت و مهربانی داشته باشید.»
- هر گاه حسن و حسین علیهماالسلام بر پیامبر خدا وارد می شدند، آن حضرت برمی خاست و آن دو عزیز را در آغوش می گرفت و بر دوش خود سوار می کرد.

5- مهمان نواز بود

- احترام، پذیرایی، تکریم و ملاطفت نسبت به مهمان، از ارزش های اخلاقی است. رسول خدا(ص) برای مهمان خویش زیرانداز می انداخت، پذیرایی می کرد، با او هم غذا می شد و به نیازش رسیدگی می کرد.
- سلمان فارسی نقل می کند: به خانه پیامبر خدا(ص) رفتم، بالشی که مخصوص خودش بود پشت من قرار داد. و این رفتار را با مهمانان دیگر هم داشت. برای آنان زیرانداز می انداخت. بخصوص اگر خویشاوند بودند، تکریم بیشتری روا می داشت. به روایت امام صادق(ع) روزی یکی از خواهران رضاعی پیامبر به محضر آن حضرت رسید. چون نگاه پیامبر به او افتاد، خیلی خوشحال شد، ردای خود را زیر او پهن کرد و او را روی آن نشانده، با او به گفتگو مشغول شد و شادمانی نشان داد. چون آن زن برخاست و رفت، برادرش آمد. اما پیامبر نسبت به او عنایت و تکریم کمتری داشت. وقتی علت را پرسیدند فرمود: برای آنکه آن خواهر نسبت به پدرش مهربان تر از آن برادر بود.
- نیز روایت شده است که وقتی کسی وارد خانه حضرت می شد، رسول خدا(ص) به عنوان حرمت نهادن به او که مهمانش بود، هرگز از مجلس بر نمی خاست و بیرون نمی رفت، تا آنکه خود آن شخص برخیزد و برود. به تکریم آن حضرت نسبت به سلمان فارسی اشاره شد. پیامبر پس از آن برخورد، به وی فرمود: ای سلمان! هیچ مسلمانی بر برادر مسلمانش وارد نمی شود و او به عنوان اکرام و احترام، زیرانداز برایش نمی گسترده، مگر آنکه خداوند او را می بخشاید. وقتی مهمان داشت، با مهمان غذا می خورد و دست از غذا خوردن نمی کشید مگر آنکه مهمان دست از طعام بکشد.⁶

6- خودش کارهایش را انجام می داد

- پیامبر صلی الله علیه و اله در خانه کفش و لباس خویش را می دوخت، ... وسایل خویش را برداشت و می گذاشت.⁷

6 . رجوع کنید: مجله پیام زن، بهمن و اسفند 1385، شماره 179 و 180.
7 . بحار الانوار، ج 16، ص 227.

- آب و ظرف وضوی خود را خودش مهیا می کرد تا هنگام برخاستن برای تهجد شبانه برای کسی زحمت نباشد: وَ يَضَعُ طَهْوَرَةَ اللَّيْلِ بِيدِهِ...».
- نکته:** متأسفانه برخی از نوجوانان وقتی نشستند دیگر حال بلند شدن ندارند و پی در پی به برادر و خواهر و مادر دستور می دهند و رفع نیازهای خود را از آنها می خواهند. این رفتار برخلاف سیره پیغمبر اکرم صلی الله وعلیه واله است.

7- به غذا ایراد نمی گرفت

- کان رسول الله يَأْكُلُ الْأَصْنَافَ مِنَ الطَّعَامِ؛ « پیامبر اعظم صلی الله علیه واله همه رقم غذا می خورد و نسبت به نوع غذا و کیفیت طبخ، ایراد نمی گرفت.⁸»
- پیامبر خدا(ص) در خانه که بود، از هر نوع غذایی که فراهم می کردند می خورد و از آنچه خدا حلال کرده است همراه خانواده و خدمتکاران تناول می کرد و هرگز از غذایی بدگویی و مذمت نمی کرد: «کان رسول الله يَأْكُلُ كُلَّ الْأَصْنَافِ مِنَ الطَّعَامِ وَ كَانَ يَأْكُلُ مِمَّا أَحَلَّ اللَّهُ لَهُ مَعَ أَهْلِهِ وَ خَدَمِهِ إِذَا أَكَلُوا...». سرفره با خانواده می نشست و غذا می خورد، مگر آنکه مهمانی وارد شود که آنگاه همراه مهمان غذا می خورد.

نکته: مادر همیشه زحمت می کشد و در طول سال بهترین غذاها را می پزد؛ حال اگر در طول سال یک یا چند بار غذا شور یا بی نمک یا بد مزه بود، ما چه می کنیم؟!

8- با زنان و کودکان مهربان بود

- کان رسول الله أَرْحَمُ النَّاسِ بِالنِّسَاءِ وَالصَّبِيَّانِ؛ « رسول الله صلی الله علیه واله مهربان ترین به بچه ها و زنان بود.⁹».

9- در خانه اهل مزاح و شوخی بود

- وَ كَانَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَمَزَحُ مَعَهُنَّ؛ با خانواده خوشرو بود و با آنها گفتگو و مزاح می نمود.¹⁰

نکته: درست شوخی کردن یک هنر است. اینکه با چه کسی، کی، چگونه، کجا مزاح کنید مهم است.

10- نظم و ترتیب را رعایت می کرد

- رعایت نظم و ترتیب در تمام زندگی آن حضرت محسوس بود. ایشان نه تنها در امور اجتماعی و معاشرت «نظم» را فراموش نمی کرد، بلکه در کوچک ترین اعمال و رفتارهای شخصی نیز نظم بسیار دقیقی داشت. «وقتی به خانه اش می رفت، اوقاتش را سه قسمت می کرد: یک قسمت برای خدا، قسمتی برای خانواده اش و قسمت دیگر برای خودش. آن گاه

8. مکارم الاخلاق، ج1، ص 26.

9. محجة البيضاء، ج3، ص 98.

10. همان.

قسمت خود را نیز میان خود و مردم تقسیم می کرد و آن را برای بستگان و صحابه (که در منزل به خدمت او می رسیدند) قرار می داد و ذره ای از امکانات خود را از آنان دریغ نمی نمود.^{۱۱}

- آن حضرت از همان دوره کودکی، برخلاف کودکان هم سن و سالش که ظاهر نامرتب و موهای نامنظم و ژولیده داشتند، ظاهر بسیار آراسته و منظم داشت. «عادتش بود که همواره خود را در آئینه ببیند و سر و روی خود را شانه بزند. او علاوه بر اهل خانه، خود را برای یاران و اصحاب نیز می آراست و می فرمود: خداوند دوست دارد که هرگاه بنده اش برای دیدن برادران از خانه بیرون می رود نیز خود را بیاراید.»^{۱۲}

ب: سیره اجتماعی

1- شروع به سلام می کرد

- کان مِنْ خُلُقِهِ أَنْ يَبْدَأَ مِنَ لَقِيهِ بِالسَّلَامِ؛ «از خلق و خوی حضرت آن بود که با هر کس برخورد می کرد، آغاز به سلام می نمود.»^{۱۳}
- شخصی تصمیم گرفت زودتر به پیامبر اکرم سلام کند پشت درخت مخفی شد. ولی پیامبر تا رسید با صدای بلند فرمود آن کس که پشت درختی؛ سلام علیکم.

2- مصافحه می کرد

- إِذَا لَقِيَ مُسْلِمًا بَدَأَ بِالْمُصَافِحَةِ؛ «هرگاه با مسلمانی دیدار می کرد، با او دست می داد.»^{۱۴}
- در هنگام دست دادن نیز رعایت می کرد تا دست خویش را زود عقب نکشد، تا مبادا طرف مقابل احساس بی علاقهگی و سردی در برخورد پیدا کند.

3- حرف کسی را قطع نمی کرد

- «و لَا يَقْطَعُ عَلَيَّ أَحَدٌ كَلَامَهُ..»؛ حضرت رسول صلی الله علیه و اله حرف گوینده را تا پایان گوش می دادند و ساکت بودند تا صحبت آنان تمام شود، و هرگز کلام کسی را قطع نمی کرد.^{۱۵}

نکته: آیا ما این گونه ایم، یا این که خیلی ها وسط حرف دیگران می پرند و حرفشان را قطع می کنند و ...

11 . سیمای پیامبر اسلام، ص 51.

12 . مکارم الاخلاق، طبرسی، ص 34.

13 . محجة البيضاء، ج 4، ص 134.

14 . سنن النبی، ص 62.

15 . بحار الانوار، ج 16، ص 153.

4- حتی در حال خشم خلاف حق نمی گفت

- « وَكَانَ فِي الرِّضَا وَالرَّضَا وَالرَّضَا لَا يَقُولُ إِلَّا حَقًّا »؛ حضرت رسول صلی الله علیه و آله در حال خشم از مرز حق بیرون نمی رفت.^{۱۶}

او دیرتر از همه خشمگین و عصبانی می شد و زودتر از همه هم عفو می کرد و در می گذشت.

5- دست و دل باز بود

- «كَانَ أَجْوَدَ النَّاسِ كَفًّا»؛ پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از همه مردم بخشنده تر بود.^{۱۷}

6- قبل از مهمان دست از غذا نمی کشید

- رسول خدا صلی الله علیه و آله هر گاه مهمان داشت، با او غذا می خورد و دست از سفره و غذا نمی کشید، تا آن که مهمان دست از غذا خوردن بکشد.^{۱۸}

البته پیامبر صلی الله علیه و آله تا کاملاً گرسنه نمی شد غذا نمی خورد و قبل از آنکه کاملاً سیر شود، دست از غذا می کشید.^{۱۹}

7- با مردم راحت بود

مردی خدمت آن حضرت آمد و با دیدن عظمت آن حضرت دستپاچه شد و به لرزه و لکنت زبان افتاد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم او را دلداری داد و فرمود: « آرام باش و آرام گیر، من که پادشاه نیستم! من پسر زنی هستم که قد (غذای ساده عرب‌ها؛ مانند اشکنه) می خورد!»^{۲۰}

8- گره گشای مشکلات مردم بود

- تلاش برای انجام خواسته مراجعین گامی دیگر در این راه بود. هر کس از وی درخواستی داشت، یا آن را انجام می داد، و اگر نمی توانست حداقل با سخن نیک و کلام نرم پاسخش را می داد و اخلاق نیکوی خود را شامل همگان می ساخت.
- اگر یک مراجعه کننده غریب و نا آشنا رفتار تندی داشت، به نحوی که اصحاب می خواستند با او به تندی عمل کنند، حضرت نمی گذاشت و می فرمود: هر گاه حاجتمندی را دیدید که آمده و خواسته ای دارد، او را پذیرایی و تکریم کنید: «إِذَا رَأَيْتُمْ طَالِبَ الْحَاجَةِ يَطْلُبُهَا فَأَرْفُدُوهُ.»

9- به هیچ کس سرکوفت نمی زد

- «كَانَ لَا يَدُمُّ أَحَدًا وَلَا يُعِيرُهُ» کسی را سرزنش نمی کرد و تگه نمی پراند.^{۲۱}

16 . سنن النبی، ص 76.
17 . بحار الانوار، ج 16، ص 194.
18 سنن النبی، ص 67.
19 . سنن النبی، ص 181.
20 . بحار الانوار، ج 16، ص 229.
21 . سنن النبی، ص 17.

10- انتقام جو نبود

- ما اَنْتَصَرَ لِنَفْسِهِ مِنْ مَّظْلَمَةٍ حَتَّى يَنْتَهِكَ مَحَارِمُ اللَّهِ؛ اگر ظلمی به او می شد، انتقام نمی گرفت، مگر این که حریم الهی زیر پا گذاشته می شد.²²
- انسان های حقیر پیوسته در فکر انتقام جویی و مقابله به مثل اند، اما صاحبان روح های بلند و همت های عالی، گذشت و عفو را شیوه خود می سازند.
- رسول خدا(ص) با آن همه ستم و بدی که از قریش دیده بود، در فتح مکه به جای انتقام جویی، همه را بخشید و به آنان که شعار «انتقام، انتقام» می دادند اعتراض کرد.
- کسانی از یهود خبیر را هم که غذای مسموم برای حضرت فرستاده بودند و زنی یهودی را که غذای زهر آگین برای حضرت فراهم کرده بود، بخشود و از خطای آنان در گذشت.
- عادت پیامبر بود که بدی را با بدی پاسخ ندهد، بلکه کریمانه گذشت کند و می بخشود:
- «لَا يَجْزِي بِالسَّيِّئَةِ السَّيِّئَةَ، وَ لَكِنْ يَغْفِرُ وَيَصْفَحُ».
- امت خویش را بر همین اخلاق تربیت کرده بود و خصلت ستیزه جویی و انتقام را به روحیه عفو و صَفْح تبدیل ساخته بود. نمونه ای از این روحیه هم در «پوزش پذیری» جلوه می کرد و اگر کسی خطا و جفایی می کرد، سپس عذرخواهی می کرد، حضرت می پذیرفت:
- «لَا يَجْفُو عَلَى أَحَدٍ، يَقْبَلُ مَعْذِرَةَ الْمُعْتَذِرِ إِلَيْهِ؛ به کسی جفا و تندی نمی کرد، هر کس هم از او معذرت خواهی می کرد، می پذیرفت».
- حتی بر خوردش با خدمتکار خود انس، کریمانه بود، نه ملامتگرانه. انس بن مالک می گوید: من نه سال همراه پیامبر و خادم او بودم، هرگز به یاد ندارم که یک بار هم به من گفته باشد: چرا چنین و چنان کردی؟ و هرگز چیزی را بر من عیب نگرفت.²³
- انس بن مالک می گوید:
- فردی بایان نشین هنگام دیدار پیامبر خدا (ص)، ردای آن حضرت را گرفت و به طوری کشید که دیدم گردن نازنین آن بزرگوار از فشار حاشیه آن ردا کبود شد.
- آن اعرابی با بی ادبی ادامه داد: دستور بده تا از مال خدا که نزد تو است به من بدهند.
- رسول خدا به او توجهی کرد (اصحاب گفتند اگر اجازه بدهید او را تنبیه کنیم. پیامبر اجازه نداد) لبخندی زد و بعد از آن دستور داد به او عطائی کردند و او خوشحال شد و از رفتار حسنه پیامبر و انتقام نگرفتن از او شیفته پیامبر شد.

22. بسنن النبى، ص 45.

23. مجله پیام زن، بهمن و اسفند 1385، شماره 179 و 180.

11- جلوی دیگران پایش را دراز نمی کرد

- مَا رَأَى مُقَدِّمًا رِجْلَهُ بَيْنَ يَدَيْ جَلِيسٍ لَهُ قَطُّ؛ « هرگز دیده نشد که پای خود را در حضور دیگران، دراز کند.»^{۲۴}

نکته: خیلی از بچه ها، جلوی پدر و مادرشان یا بزرگترها پاهای خود را دراز می کنند یا به صورت غیر مؤدبانه می نشینند در حالی که پیامبر ...

12- بیشتر رو به قبله می نشست

- وَكَانَ أَكْثَرَ مَا يَجْلِسُ تِجَاهَ الْقِبْلَةِ؛ « رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم اغلب رو به قبله می نشست.»^{۲۵}

13- میهمان را کنار خود جای می داد

- وَكَانَ يُؤْتِرُ الدَّخْلَ عَلَيْهِ بِالْوَسَادَةِ الَّتِي تَحْتَهُ، فَإِنْ أَبِي أَنْ يَقْبِلَهَا عَزَمَ عَلَيْهِ حَتَّى يَفْعَلَ؛ « رسول خدا صلی الله علیه و آله وقتی کسی بر ایشان وارد می شد، زیر انداز خود را در اختیارش می گذاشت و او را روی تشک خود می نشاند و اگر او قبول نمی کرد، آن حضرت، آن قدر تاکید می فرمود تا بپذیرد.»^{۲۶}

- وقتی در یکی از دیدارهای مردمی، اتاق حضرت پر از جمعیت بود، جریر بن عبدالله وارد شد و داخل اتاق جایی برای او نبود. بیرون از اتاق نشست. پیامبر چون نگاهش به او افتاد، عباي خود را از دوش خود برگرفت و پیچید و به سمت او فرستاد تا روی آن بنشیند. اما جریر هم ادب نشان داد و عباي پیامبر را بر صورت خود نهاد و بوسه بر آن زد.

- این شیوه، تنها نسبت به آشنایان و افراد مشخص انجام نمی گرفت، بلکه همگانی بود و هر کس خدمت او می رسید مورد اکرام قرار می گرفت و زیراندازش یا عبايش را برای او پهن می کرد، هر چند میان او و واردین، خویشاوندی و آشنایی و سابقه رفاقت نباشد: «وكان يُكْرِمُ مَنْ دَخَلَ عَلَيْهِ، حَتَّى رُبَّمَا بَسَطَ ثَوْبَهُ لِمَنْ لَيْسَتْ بَيْنَهُ وَبَيْنَهُ قِرَابَةٌ وَلَا رِضَاعٌ يُجْلِسُهُ عَلَيْهِ.»

- به این نمونه هم دقت کنید: مردی وارد مسجد شد و به حضور پیامبر رسید. رسول خدا(ص) تنها بود و مسجد هم وسیع. ولی پیامبر در عین حال جا به جا شد و برای آن مرد، جا باز کرد. وی گفت: یا رسول الله! جا که وسیع است. حضرت فرمود:

«إِنَّ حَقَّ الْمُسْلِمِ عَلَى الْمُسْلِمِ إِذَا رَأَهُ يُرِيدُ الْجُلُوسَ إِلَيْهِ أَنْ يَتَرَخَّزَ لَهُ؛ از جمله حقوق مسلمان بر برادر مسلمانش این است که وقتی دید می خواهد کنار او بنشیند، برایش جا باز کند و کنارتر بنشیند.»^{۲۷}

²⁴ مکارم الاخلاق، ص 15.

²⁵ بحار الانوار، ج 16، ص 240.

²⁶ سنن النبی، ص 53.

²⁷ رجوع کنید: مجله پیام زن، بهمن و اسفند 1385، شماره 179 و 180.

14- به پیاده روی و ورزش تشویق می کرد

- پیامبر صلی الله علیه و اله: خَيْرُ مَا تَدَاوَيْتُمْ بِهِ الْمَشْيُ؛ بهترین چیزی که خود را با آن درمان می کنید، پیاده روی است. ۲۸
- ورزش هایی چون اسب سواری، کشتی، تیر اندازی، شنا و ... نیز مورد علاقه رسول خدا صلی الله علیه و اله بود. چنانکه در روایت آمده: پیامبر صلی الله علیه و اله مسابقه اسب دوانی برگزار کرد و جایزه اش را مقداری نقره قرار دادند. 29
- روزی پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله به سمت دره ای می رفت. مردی بادیه نشین را دید که به نیرومندی شهرت داشت. چوپان پیامبر صلی الله علیه و اله را به مبارزه دعوت کرد و گفت: میل داری با من کشتی بگیری؟ پیامبر صلی الله علیه و اله فرمود: (اگر پیروز شوم) چه چیز جایزه می دهی؟ گفت: یک گوسفند. پیامبر صلی الله علیه و اله با او کشتی گرفت و او را بر زمین زد. مرد بادیه نشین گفت: حضری یکبار دیگر با من کشتی بگیری؟ پیامبر فرمود: (این بار) چه جایزه می دهی؟ گفت: یک گوسفند دیگر! پیامبر صلی الله علیه و اله بار دیگر با او کشتی گرفت و این بار نیز او را بر زمین زد. مرد بادیه نشین گفت: اسلام را بر من عرضه بدار! زیرا تاکنون کسی نتوانسته بود مرا بر زمین بزند. پیامبر خدا صلی الله علیه و اله نیز اسلام را بر او عرضه داشت. آن مرد مسلمان شد و پیامبر نیز گوسفندانش را به او باز گرداند. 30

15- دوستان غمگین را با شوخی شاد می کرد

- حضرت علی علیه السلام فرمود: پیامبر خدا صلی الله علیه و اله همیشه هر یک از اصحاب را غمگین می دید؟، با شوخی او را خوشحال می کرد. ۳۱
- امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا شوخی و مزاح می کرد، ولی چیزی جز حق و واقعیت نمی گفت. ۳۲
- نکته: برخی از مزاح ها بر هم خندیدن است نه با هم خندیدن. برخی مزاح ها بیجا و غیر مؤدبانه است. پیامبر شوخی می کرد، ولی نمکین و با رعایت ادب و بدون ناراحت کردن دیگران بود.

نمونه هایی از مزاح پیامبر صلی الله علیه و اله

- 1- روزی پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله خطاب به پسرزنی از قبیله اشجع فرمود: ای زن اشجعی! پسرزنان داخل بهشت نمی شوند! آن زن (بعد از آنکه از پیامبر جدا شد) شروع کرد به گریه کردن.
- بلال حبشی آن پسرزن را گریان دید و نزد پیامبر آمد و جریان را بازگو کرد. رسول خدا صلی الله علیه و اله فرمود: سیاهان هم وارد بهشت نمی شوند! بلال هم بنا گذاشت به گریه کردن.

28. مستدرک سفینة البحار، ج 3، ص 389.

29. کافی، ج 5، ص 49. وسائل الشیعه، ج 11، ص 494.

30. مستدرک الوسائل، ج 14، ص 82.

31. سنن النبی، ص 61.

32. بحار الانوار، ج 16، ص 244.

عباس عموی پیامبر آن دو را دید که در حال گریه هستند؛ از این رو نزد پیامبر صلی الله علیه و اله آمد و جریان را برای حضرت نقل کرد. حضرت خطاب به عباس، که در سنین پیری به سر می برد فرمود: پیرمردان هم وارد بهشت نمی شوند.

سپس پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله آنان را دلداری داد و فرمود: خداوند در روز قیامت، آنان را در بهترین هیئت، وارد بهشت می گرداند و آنان به صورت جوانانی نورانی وارد بهشت می شوند و فرمود: بهشتیان، بی نقص و کامل و به صورت جوان زیبا وارد بهشت می گردند. ۳۳

2- روزی حضرت رسول صلی الله علیه و اله به همراه امیر مؤمنان علیه السلام مشغول خوردن خرما بودند. پیامبر صلی الله علیه و اله هر خرمایی که می خورد، پنهانی هسته و دانه اش را جلوی حضرت علی علیه السلام می گذاشتند.

تا این که خرماها تمام شد، ولی نزد پیامبر صلی الله علیه و اله هیچ هسته خرمایی نبود، در حالی که همه هسته ها جلوی حضرت علی (ع) بود. پیامبر صلی الله علیه و اله فرمود: یا عَلِيُّ إِنَّكَ لَأَكُولُ؛ علی جان! تو خیلی خوش خوراک هستی!

حضرت علی علیه السلام در پاسخ مزاح پیامبر صلی الله علیه و اله فرمود: الاكُولُ مَنْ أَكَلَ الرَّطْبَ وَ النَّوَاهَ؛ خوش اشتهای کسی است که خرما را با هسته اش خورده است! پیامبر صلی الله علیه و اله تبسمی کرد و دستور داد تا به حضرت هدیه ای بدهند. ۳۴

3- نقل شده است که عربی بیابان نشین، گاه گاهی به حضور پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله می رسید و برای آن حضرت هدیه ای می آورد، ولی در همان مجلس بهای هدیه اش را از پیامبر صلی الله علیه و اله درخواست می کرد و می گفت: پولش را بده!

این جریان موجب خنده پیامبر صلی الله علیه و اله می شد؛ لذا هر وقت آن حضرت محزون می شد می فرمود: مَا فَعَلَ الْأَعْرَابِيُّ لَيْتَهُ أَتَانَا؛ آن مرد بادیه نشین کجاست، کاش نزد ما می آمد و ما را شاد می ساخت. ۳۵

مؤسسه علمی فرهنگی یاران سبز موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف

معاونت پژوهش

با تشکر از حجت الاسلام والمسلمین برناس

33. بحار الانوار، ج 16، ص 295. مستدرک الوسائل، ج 8، ص 410.

34. التحفة السنیة، ص 323.

35. کافی، ج 2، ص 663. وسائل الشیعة، ج 12، ص 112.